

کدام صلح؟

یکی از پیامدهای مهم واقعه ۱۱ سپتامبر، آشکار شدن استراتژی آمریکا، جنگ درازمدت، بود. علاوه بر مخالفت دیپلماتیک برخی دول، احزاب چپ نیز تظاهراتی با شعار «جنگ را متوقف کنید» سازمان دادند. کمیته اعتراضی دانشگاه کالیفرنیا که یکی از اولین تشکلهای صلح طلب بود، بسرعت گسترش یافته و تظاهرات دانشجویی متعددی را در آمریکا براه انداخت. دامنه جنبش صلح طلبی بتدریج گسترش یافت. پس از تظاهرات ماه اکتبر در لندن، حرکت اعتراضی دیگری در ۱۸ نوامبر (۲۷ آبان) سازمان داده شد که شعار اصلی آن «جنگ را متوقف کنید» بود. تظاهرکنندگان غالباً متشکل از نیروهای انگلستان بودند. گرایش ملی‌گرای چپ از کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین، دخالت فعالی در این حرکت داشتند. دیگر کشورهای اروپایی نیز شاهد تجمعات مشابه صلح طلبانه بودند. دولت آمریکا و متحدین وی، آخرین تجارب و دستاوردهای نظامی سیاسی و ایدئولوژیک را برای بسیج افکار عمومی جهان بکار گرفت.

اخبار و گزارشات رسانه‌ها، دست‌چین و کنترل شده بود. صحنه‌هایی که نشان از کنترل کامل برابعد جنگ و دقت تکنولوژی جنگی دارند، چاشنی اخبار روزمره و لحظه به لحظه جنگ بودند. «کمک‌های انساندوستانه» هواپیماهای جنگی برای ریختن غذا و مایحتاج اولیه، جنگ‌وجنایات را با تصاویر انساندوستانه به هم می‌آمیخت. در سوی دیگر فضای رعب بر جامعه غرب مستولی بود. «کشف» بسته‌های شیمیایی و خطر آلودگی عمومی به سیاه زخم و یا وقوع حوادث تروریستی، بی‌وقفه در راس خبرها قرارداشتند. دستگاههای غول آسای رسانه‌ای، مردم را در مقابل یک دو راهی ناگزیر قرار دادند: یا خطر کشتار و مرگ هولناک جمعی و یا انتخاب حمله نظامی به افغانستان. یا بکشید و یا کشته شوید. جناح چپ بطرز مایوسانه‌ای کوشید تا در این رقابت نابرابر، کفه ترازو را با شعار «توقف جنگ» بسوی جنگ محدود تغییر دهد. «صلح» انتخابی بود بر سر این دوراهی. اما کدام صلح؟

جناح چپ چگونه صلحی را طلب کرد؟ توقف جنگ. یعنی صلح میان بوش و طالبان. صلحی که پیش از جنگ برقرار بود. صلحی میان شرکتهای نفتی و طالبان. اما مگر صنایع نظامی آمریکا و موشک‌های تیزهوش که هزینه هر یک، معادل خانه و مدرسه و مهد کودک برای هزاران کودک افغانی است، در صلح و آرامش سرمایه‌داری تولید نشده‌اند؟

جنگ امروز یعنی مصرف تولیدات صنایع نظامی که در «زمان صلح» صورت گرفته است. مخارج سرسام‌آور بودجه هنگفت جنگ فعلی، در زمان «صلح» از طریق استثمار بی‌وقفه کارگران جهان و سرکوب مبارزات آنان به چنگ آمده است. سخن کوتاه، صلح در جامعه سرمایه‌داری، صلحی است برای

طبقه حاکم. صلح سیستم موجود، فرجه‌ای است برای تدارک جنگ. جنگ رسمی و یا جنگ طبقاتی اعلام نشده علیه استثمارشوندگان. این است صلحی که جناح چپ شعار آن را سر داد.

تنها یک جنبش ضد سرمایه‌داری است که میتواند، جنبشی واقعی علیه جنگ باشد. تنها جنبشی که خواستار تبدیل جنگ دول سرمایه‌داری به جنگ طبقاتی، جنگی علیه طبقه حاکم باشد. جنبشی ضد جنگ است. نظام سرمایه‌داری بر جنگ و ویرانگری استوار است. نظامی که سیاستمداران و نهادهای سمبلیک آن، پارلمانها، در رأس و مرکز تجمعات جنبش صلح قرار داشت. مرکز ثقل یک جنبش انقلابی بر علیه جنگ اما جای دیگری است. چنین جنبشی در مراکز تولید و کار شکل گرفته و تمام چرخهای اقتصادی و سیاسی را خوابانده و بسرعت بر مراکز سرمایه‌یورش میبرد. انقلاب اکتبر و سپس موج انقلاب جهانی بر چنین جنبش ضد کاپیتالیستی ناشی از جنگ جهانی اول تکیه کرد. جنبش صلح‌طلبانه کنونی اما بیش از هر چیز نشانگر غیاب نیروهای انقلابی و کمونیستی است.